

روایتی دیگر از شرح فصوص الحکم قیصری

عبدالحسین ارزایشی

ابن عربی، محیی الدین محمد بن علی (۵۶۰-۶۳۸)؛ شرح
فصوص الحکم، شرح و حاشیه داوود بن محمود قیصری (۷۵۱-)
باتحقیق حسن حسن‌زاده آملی، جلد اول، قم: دفتر تبلیغات
اسلامی، چاپ اول / ۲۰۰۰ نسخه، ۷۰۳ صفحه، عربی، وزیری
(سلفون)، بها: ۶۳۰۰۰ ریال.

فرهنگ و تمدن انسانی، در حوزهٔ مکتوب خود، گذشته از متون مقدّس، به شدت و اصدار مجموعهٔ متونی است که، می‌توان آنها را مامنامه‌های ایجاز‌گرا خواند. می‌دانیم که در شماری از دانشهای بشری، تعدادی از متون پدید آمده‌اند که هم مامنامه‌اند و دربرگیرندهٔ تمامی مباحث آن علم، و هم ایجاز‌گرا و بدور از تطویل‌های عمر سوز. از این‌رو هم اقبال بیشتر دانش‌پژوهان و پژوهندگان را به دست می‌آورند، و هم شماری از پی‌نوشت‌ها، گردانیده‌ها و گزارش‌ها را بر کرانهٔ خود می‌بینند. همین دو عامل سبب می‌گردد که آثاری که در این گونه از «ادبیات تألیف» یعنی مامنامه‌نویسی پدید می‌آیند، همواره زنده بمانند و بالنده. از این قسم است، *الاشارات و التنبیها* و نیز *تجرید الکلام*.

فصوص الحکم شیخ اکبر، ابن عربی، در شمار همین نگاهشته‌های کم‌برگ اما پر بار است، که از گاه پیدایش، تا امروز، همچنان در حوزهٔ تمدن اسلامی حاضر بوده، و هیچگاه غبار زمان، درخشش چهرهٔ او را نیوشانیده است. می‌دانیم که بنا بر تصریح خود شیخ در آغاز این کتاب، او در نخستین ماه سال ششصد و بیست و هفت ه. ق مأمور به اظهار فصوص شده است،^۱ و باز می‌دانیم که همو در بیست و هشتم ربیع الآخر سال ششصد و سی و هشت ه. ق در حالی که هشتاد سال زیسته بود،^۲ بدرود حیات گفته است. از این حیث، می‌توان فصوص را حاصل عالی‌ترین دورهٔ تکاملی شخصیت

عرفانی او دانست. توجه به این که وی سالها پیش از این تاریخ، یعنی در سال پانصد و نود و نه ه. ق تدوین فتوحات را آغاز کرده بود،^۳ نیز مؤید همین معناست. از این رو خرد حجم و کلان معنای فصوص الحکم از همان گاه پیدایش، مورد گزارش ترجمه و حتی نقد واقع شد و در حوزه زمانی هشتصد ساله‌ای بیش از یکصد رساله را بر کناره خود دید.^۴ در میان شرحهای این کتاب نگاره‌هایی چونان، شرح جنیدی، شرح کاشانی و شرح قیصری، در شمار مهترین و یا مهمترین و دست‌گزیده‌ترین شروح بوده‌اند. و باز در این میان، شرح قیصری از اقبالی بیش از آن دو دیگر، بهره‌مند شد.

داود بن محمود قیصری وقرامانی، که از ترکیه امروزی برخاست و در ایران به تحصیل دانش پرداخت و در مصر ساکن شد و سرانجام به سال هفتصد و پنجاه و یک ه. ق روی در تیره تراب کشید،^۵ در شرح متن فصوص، آن چنان تزلعی از خود به نمایش گذاشت، که در مدتی بیش از شش قرن، نگاشته او به عنوان یکی از متون بنیادین حوزه عرفان اسلامی مطرح، و چندین قرن به همراه تمهید القواعد و مصباح الأتس، در شمار متون درسی قرار گرفت. وجود دهها حاشیه چاپ شده و چاپ نشده، و حتی شناسائی شده و یا نشده، که از سوی عرفان پژوهان بر این کتاب تنظیم شده است، نشان از توجه آنان به این کتاب دارد؛ اقبالی که تا روزگار ما همچنان ادامه یافته است.

با توجه به آن چه گذشت، به خوبی می‌توان بر چرایی اقبال مصححان به تصحیح و طبع و نشر این کتاب نیز، واقف شد. چه بدیهی است که جامعه عرفان پژوهان، نو به نو نیازمند عرضه و ارائه جدیدی از این کتاب باشند تا سرانجام روزی، چنان صورت محققى از این گزارش کرامند عرضه شود، که بتوان به آن اتکا و اکتفا کرد، و صورتی قابل قبول از نگاشته قیصری راه، در اختیار دوستدارانش قرار داد.

قلم انداز حاضر نیز، به بهانه نگاهی کوتاه به یکی از همین عرضه‌ها، تنظیم شده است. عرضه‌ای که به همت و با نام مبارک استاد فرزانه حضرت آیه الله علامه حسن حسن‌زاده املی، صورت گرفته، و نخستین جلد آن بوسیله انتشارات بوستان کتاب دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، به سال ۱۳۸۲ به صورت عمومی عرضه شده است. به راستی نیک بختی آن کتاب راه، که حضرت استاد که امروزه در شمار چند نماینده و معرف برجسته مکتب عرفانی ابن عربی هستند، به تصحیحش پرداخته‌اند. به ویژه آن‌که، پیش از این، دیگر استاد مسلم این مکتب حضرت استاد علامه سید جلال‌الدین آشتیانی نیز، قلم تصحیح بر همین متن رانده بودند.^۶

در اینجا، راقم به اختصار تمام، به معرفی و بیان نکاتی چند درباره این ارائه جدید ز شرح فصوص ابن عربی، می‌پردازد.

«شرح فصوص الحکم داود القیصری الجزء الأول تحقیق آیه‌الله حسن حسن‌زاده املی بوستان کتاب قم» مجموعه عباراتی است که بر رویه جلد روئین کتاب، نقش بسته است. این مجلد از هفت بخش اصلی، به ترتیبی که از پی خواهد آمد، تشکیل شده:

- ۱) برگه تقدیر برای نمودن اسامی بوستان کتاب قم در مراحل مختلف تولید این اثر، از تقویم نص تا بی‌گیری آخرین مراحل امور چاپ (صفحه ۴).
- ۲) فهرست موضوعات (صفحات ۵ / ۶).
- ۳) مقدمه محقق (صفحات ۷ / ۹).
- ۴) یاد کرد از رموز به کار رفته در پاورقی‌های کتاب (صفحه ۱۰).
- ۵) فهرست فصول دوازده‌گانه مقدمه شارح (صفحه ۱۱).
- ۶) آغاز مقدمه شارح (صفحه ۱۲).
- ۷) آغاز شرح متن فصوص (صفحه ۱۷۳).

این مجلد در نهایت شرح نص یوسفی پایان می‌پذیرد و هیچ‌گونه فهرست فنی و راهنمایی در آن به چشم نمی‌خورد. گویا این فهرس در پایان تمامی کتاب قرار خواهد گرفت؛ ان شاء الله. در مقدمه محقق که نخستین متن مندرج در کتاب است، فوایدی چند به چشم می‌آید، اشارهٔ اجمالی به رابطه عرفان و متون عرفان پژوهی با قرآن کریم، نکته‌ای دربارهٔ مقدار اعتماد بر سخنان غیر معصومان - علیهم‌السلام -، اشاره به این که مصحح علامه دربارهٔ این نکته در شرح فارسی بر فصوص الحکم سخن رانده‌اند، و از همه مهمتر فهرست محتوایی شماری از فصوص متن، در شمار این فواید است.

در متن کتاب نیز، حضرت استاد علاوه بر آنکه در پی ارائهٔ نص محقق از متن بوده‌اند، گذشته از تعلیقات خود، گزیده‌ای از ۴ شرح مهم کاشانی، ابن ترکه، جامی و جندی را، در زیرنویس صفحات نهاده‌اند، و از این رهگذر، کلید گشودن بسیاری از مشکلات متن را، در دسترس خوانندهٔ اثر خود قرار داده‌اند. سخن آخر این قلم انداز، بیان نکاتی چند دربارهٔ چاپ حاضر است.

متأسفانه در مقدمه مصحح، به چستی نسخ خطی به کار رفته در جریان تصحیح اشاره نشده است. ایشان به اختصار اشاره کرده‌اند که این کتاب را چندین دوره به درس گفته‌اند و در هر دوره با چندین نسخهٔ خطی و چاپی مقابله کرده‌اند.^۷ بدین ترتیب پر واضح است که حداقل ۹ نسخه در جریان تصحیح، بدست ایشان بوده است. اما:

۱- مصحح محترم هیچیک از این نسخ را به گونهٔ علمی معرفی نکرده‌اند. می‌دانیم که امروزه با تدوین قواعد فن تصحیح، معرفی نسخی که بدست مصحح بوده است، در شمار ضروریات تحقیق قرار دارد، چه اگر این دست‌نوشته‌ها معرفی نشود، و اختلافات آنها یکان یکان نمایان نشود، خواننده با متنی که تنها از اجتهادات مصحح تشکیل شده روبرو می‌شود و قدرت قضاوت دربارهٔ صحت اختیارات مصحح را از دست می‌دهد. چه این قضاوت تنها در صورتی ممکن می‌شود که مواد اصلی آن، یعنی اختلافات نسخ در اختیار خواننده قرار داده شود.

۲- اصولاً حضرت استاد در تصحیح حاضر، بر چه روشی اعتماد داشته‌اند؟ آیا از روش تصحیح انتقادی بهره برده‌اند؟ و یا روش تلفیق نسخ را به کار گرفته‌اند؟ و یا ... متأسفانه درباره این نکات بسیار مهم هم، هیچ اشاره‌ای در مقدمه مصحح نیامده است.

۳- گفتیم که ایشان چستی نسخ خطی مورد استفاده خود را در بوتۀ اهمال نهاده‌اند. اما اشاره فرموده‌اند که نسخ ملکی اساتید بزرگوارشان، شعرانی، میرزا احمد آشتیانی و فاضل تونی را در اختیار دارند. آیا نسخ ملکی این سه استاد، دست‌نوشته بوده‌اند، و یا این سه بزرگمرد، همان نسخه طبع سنگی سال یک‌هزار و دویست و نود هـ. ق را در اختیار داشته‌اند؟ حداقل در مورد استاد شعرانی و فاضل تونی می‌توان با قدرت این احتمال را جاری دانست که نسخ مورد استفاده آنان، همان چاپ سنگی بود و لذا تنها حواشی این نسخ، یاور استاد در این عرضه جدید بوده‌اند، و نه متن آنها.

۴- گفتیم که گویا تنها حواشی نسخ اساتید استاد، در جریان تصحیح حاضر، می‌توانسته است یاریگر استاد باشد. اما تعداد این حواشی قابل توجه بوده است؟ اجمال سخن مصحح محترم در مقدمه، باعث شده تا بتوانیم پاسخی برای این پرسش بیابیم.

۵- به نظر می‌رسد که مبنای تصحیح حضرت استاد، همان نسخه چاپ سنگی یک‌هزار و دویست و نود هـ. ق بوده است و دست‌نوشته‌های مورد استفاده ایشان نیز، تفاوت آشکاری با آن نسخه نداشته است. نگاهی کوتاه به حجم نسخه بدلهای عرضه شده در پانویس صفحات، نشانگر این مدعاست. چه در یک‌صد صفحه نخست از متن عرضه شده حاضر (صفحات ۱۳ تا ۱۱۳) تنها چهارده نسخه بدل ارائه شده، یعنی تقریباً در هر هفت صفحه یک نسخه بدل!

۶- گذشته از این، اصولاً نسخه عرضه شده حاضر، از نظر ویراست متن - و نه حواشی و تعلیقات، که زین پس به آن خواهیم پرداخت -، چه تفاوتی با نسخه استاد آشتیانی دارد؟ راقم، در پی یافتن پرسش این پاسخ، تمامی فصل ششم از مقدمه قیصری را، مبنای مقابله این دو نسخه قرار داد، و با تعجب تمام، دریافت که در این بخش، که حجمی بالغ بر ده صفحه تمام دارد، تنها بیست اختلاف میان این دو نسخه به چشم می‌آید، و عجیب‌تر این که شش مورد از این بیست مورد، تنها مربوط به تأیید و تذکیر لغات است، که تصحیحی است قیاسی، و چندان نیاز به نسخه پژوهی ندارد. به این جدول که نشان‌دهنده این اختلافات، با ذکر صفحه هریک از دو چاپ است، دقت فرمائید:

صفحه طبع استاد حسن زاده	ضبط نسخه ایشان	صفحه طبع استاد آشتیانی	ضبط نسخه ایشان
۱۱۸	أیضاً	۹۷	-
۱۱۸	لکمالاته	۹۸	بکمالاته
۱۲۰	الحيوانات	۹۹	الحيوان
۱۲۱	العلم	۹۹	العالم

بالمجاهدة الخلقية	۹۹	بالمحامد	۱۲۲
يقدر	۹۹	تقدر	۱۲۲
يقوى	۹۹	تقوى	۱۲۲
فيفيض	۹۹	فتفيض	۱۲۲
الصور	۱۰۰	الصورة	۱۲۲
مناماته	۱۰۰	مناماتها	۱۲۳
يكون	۱۰۰	تكون	۱۲۳
يخالطها	۱۰۰	يخلطها	۱۲۳
الرأى	۱۰۰	الرأى	۱۲۳
يعرف	۱۰۱	يفرق	۱۲۴
يعلم	۱۰۱	تعلم	۱۲۴
هو موجود	۱۰۱	له وجود	۱۲۴
الصور	۱۰۱	الصورة	۱۲۴
يتشکل	۱۰۱	فيتشکل	۱۲۴
بصورة	۱۰۱	بصور	۱۲۴
-	۱۰۱	عن	۱۲۴

در نخستین صفحه و نیز دو صفحه آخر این فصل، یعنی صفحات ۱۱۷، ۱۲۵ و ۱۲۶ نیز هیچ تغییری بین این دو عرضه مشاهده نمی‌شود.

حال بر اساس این جدول، که حداکثر چند مورد انگشت شمار اختلاف مغیر معنی می‌توان در آن مشاهده کرد، بدون این که عرضه یکی از این دو استاد را بر دیگری ترجیح نهیم، تنها می‌پرسیم که از نظر ویرایش و تصحیح متن، چه تفاوتی میان این دو عرضه هست؟ و این عرضه دوم، چه قدمی فراتر از مسیر طی شده پیشین برداشته است؟



اما گذشته از متن، دومین بخش تشکیل دهنده کتاب حاضر، حواشی گستره آن است. این حواشی بر چهار قسمت عمده تقسیم می‌شود:

- ۱- ارجاعات به آثار پیشینیان برای توضیح آن چه در متن آمده است. از این قسمت است ارجاع به طرائق الحقائق در حاشیه شماره ۱ صفحه ۱۲۶، و ارجاعات مکرر به کتاب هزار و یک نکته حضرت استاد.
- ۲- ارجاع به آثار پیشینیان برای نمودن مصادر احادیث احادیث و گاه اقوال به کار رفته در متن.
- ۳- حواشی منتخب از شروح چهارگانه کاشانی، ابن ترکه، جامی و جندی.

۴- حواشی مصحح محترم. این حواشی عمدتاً ایضاحی است و نشان دادن مرجع ضمیری، مشخص کردن مشارالیه اسم اشاره‌ای و یا تحقیق پیرامون موضوعی از موضوعات کتاب را بر عهده دارد. مجموع این حواشی از نظر حجم، تقریباً نیمی از حجم کتاب را به خود اختصاص داده، و بدون تردید به ارزش کتاب بسیار افزوده است. به ویژه آن‌که شرح عارف جامی، هم اکنون در دسترس عموم عرفان پژوهان قرار ندارد و از این‌رو تا طبع کاملی از آن صورت پذیرد، همین مقدار نقل شده در حواشی حاضر نیز، سخت معتنم است و پاس داشتنی. در ادامه چند نکته‌ای درباره پاره‌ای از حواشی مندرج در ذیل صفحات عرضه می‌شود:

۱- تعلیقات حضرت استاد گاه فارسی و گاه عربی است، اگرچه غالباً قریب به تمامی این تعلیقات عربی است. ظاهراً به علت این‌که تعلیقات در طول چندین دوره تدریس تنظیم شده، باعث این مطلب شده است. نمونه را بنگرید صفحه ۱۸ حاشیه شماره ۱.

۲- در حاشیه شماره ۳ صفحه ۱۴ مرقوم فرموده‌اند: «و الشيخ ... قد آلف رسالة موسوعة بشقّ الجیب فی المهدی (عج)». عبارت «شقّ الجیب فی المهدی (عج)» بصورت ایتالیک حروفچینی شده و نشان دهنده اسم کتاب است، اما بر اساس آنچه در پژوهش عظیم دکتر عثمان اسماعیل یحیی پیرامون آثار شیخ آمده، نام این کتاب «کتاب شقّ الجیب فی اسرار حروف علم الغیب» است که به نام *در الدرر و بدر الدرر* و غیر آن نیز خوانده شده.^۸ نیز شیخ راست: *شقّ الجیوب عن اسرار الغیوب و تجلی المحبوب من افق سماء القلوب*.^۹ عثمان یحیی، موضوع رساله اول را معرفت صوفیانه و موضوع دومین رساله را قلب، ابعاد، حقیقت، طبیعت و قدرت آن دانسته است. نیز رساله اول را گزیده‌هایی از *الإسراء* ابن عربی دانسته که به احتمال زیاد، کسی جز او، به گزین کردن آن پرداخته است.

۳- حضرت استاد، در تعلیقه شماره ۵ صفحه ۸۸ عبارت «کما توهم» را، مربوط به طالس دانسته‌اند، و مرقوم فرموده‌اند: «کما مرّ فی صفحه ۷۲». اما در صفحه ۷۲ - نه در متن و نه در حواشی - هیچ سخنی راجع به طالس و یا حتی این توهم به میان نیامده است!

۴- در سراسر متن، از علامه فیض کاشانی به فیض مقدّس و نظائر آن تعبیر شده، اما در حاشیه ۸ صفحه ۷۲ فرموده‌اند: «قال العارف القاسانی فی عین الیقین ...». بدیهی است که این عنوان، بیشتر به ملا عبدالرزاق کاشانی - که استاد به قاسانی و سمرقندی بودن ایشان اعتقاد دارند - منصرف است، تا به فیض کاشانی. حاشیه شماره ۲ صفحه ۱۴، که در آن ایشان قاسان را قریه‌ای در سمرقند دانسته‌اند، مؤید این معناست.

۵- در صفحه ۱۴ حاشیه شماره ۱، قیصری را بنا به تصریح خودش در ابتدای شرح، و بنا به این قرینه که در صفحه ۷۵ کتاب از قونوی به صورت شیخنا یاد کرده است، تلمیذ کاشانی و قونوی خوانده‌اند. قیصری بدون تردید در شمار تلامیذ کاشانی است، اما حتی کاشانی نیز در شمار تلامیذ قونوی قرار ندارد، از این‌رو شاگردی قیصری بر قونوی سخن سخت عجیبی است. به ویژه آن‌که

قونوی به سال ششصد و هفتاد و یک ه. ق و قیصری به سال هفتصد و پنجاه و یک ه. ق یعنی با فاصله‌ای هشتاد ساله، رحلت کرده‌اند.

۶- در صفحه ۹۴ حضرت استاد عبارت صحو المعلوم مع محو الموهوم را در حاشیه شماره ۲، به جامع الاسرار سید حیدر آملی و شرح الاسماء حاجی سبزواری ارجاع داده‌اند. آیا مصدر قدیمی‌تری از این دو اثر - که هر دو متأخر بر قیصری هستند - دست یاب نمی‌شد؟

از همین قسم است ارجاع ایباتی از قیصری که در متن به کار رفته است، به کشکول شیخ بهائی. اگرچه با توجه به این که دیوانی از قیصری در دست نیست، چنین ارجاعی لازم نمی‌نماید، مگر این که برای توضیح و تفصیل پیرامون آیات باشد، که چنین توضیحی نیز در کشکول مندرج نیست.

۷- در حاشیه شماره ۶ صفحه ۳۳، در توضیح عبارتی تنها مرقوم فرموده‌اند: «جواب سؤال مقدر». اگر آن سؤال مقدر تفصیل داده می‌شد، این تعلیقه وجهی می‌یافت، همان گونه که از باب نمونه در حاشیه ۳ صفحه ۲۷ و حاشیه ۲ صفحه ۱۰۳ مرقوم فرموده‌اند.

۸- در حاشیه شماره ۲ صفحه ۱۳۵، اتم و اوسط کتب دو علم سلوک را/حیاء العلوم غزالی دانسته‌اند. اگرچه این موضوع سخت مشکوک می‌نماید، اما مقام علمی و نیز خبرویت کتاب‌شناسی حضرت استاد، در این زمینه قول فصل است.

۹- در حاشیه شماره ۶ صفحه ۱۴۴ از التدییرات الإلهیة ابن عربی یاد شده و حضرت استاد در ذیل آن به فارسی مرقوم فرموده‌اند: «کتاب تدبیرات الهیة در نزد دوستی عزیز هست، لکن مجال مطالعه و استنساخ آن را نداشتم». این نام به تبعیت از متن به حاشیه راه یافته، اما نام کامل کتاب - آن گونه که عثمان اسماعیل یحیی آورده است - «کتاب التدییرات الإلهیة فی اصلاح المملكة الانسانیة»^۱ است، که در حدود یک قرن پیش از این، نیبرگ آن را به همراه دو رساله دیگر از ابن عربی، به چاپ رسانیده است.

۱۰- حاشیه شماره ۲ صفحه ۲۰۷ که هیچ علامتی در پی ندارد، قطعه‌ای است از شرح فصوص الحکم ملا عبدالرزاق کاشانی. با این توضیح که در صفحه ۱۰ کتاب، پس از بیان علائم اختصاری هر شرح، آمده است. «هو ماسواها فهو من تعلیقات محقق الکتاب دام ظلّه». از این رو، دقت بیشتر در بیان نام صاحبان حواشی، به شدت لازم می‌نماید.

۱۱- در صفحه ۳۳۸، حاشیه شماره ۷ بر روی کلمه «هو» قرار گرفته، اما بدون تردید، جای صحیح آن، کلمه پیشین - یعنی للتعلق - است.

و سخن آخر، عرض ارادت مجدد است به محضر حضرت استاد علامه، و بازخوانی کلام معطر و روح‌نوازی از ایشان که کامه آن استاد و تمام دستدارانشان را، شیرین و معطر می‌سازد. آن بزرگوار در صفحه ۱۵۴ حاشیه ۴، در تعلیقه بر مراتب روح اعظم در عالم انسانی مرقوم فرموده‌اند: «لئن السجدة علی التربة الحسینیة تخرق الحجب السبع»؛ ان شاء الله.

پی‌نوشت:

۱. فصوص الحکم (ص ۴۷).
۲. نفع الطیب ج ۲ ص ۳۶۱.
۳. الفتوحات المکتبیه ج ۴ ص ۵۵۳.
۴. مقاله «سروح فصوص الحکم علی مدى القرون» چاپ شده در مقدمه نصّ النصوص.
۵. ریحانة الأدب ج ۴ ص ۵۰۱، معجم المؤمنین ج ۴ ص ۱۴۲.
۶. چاپ شده به وسیله شرکت انتشارات علمی و فرهنگی به سال ۱۳۷۵.
۷. مقدمه ص ۸.
۸. مؤلفات ابن عربی تاریخها و تصنیفها ص ۳۹۴ شماره ۵۶۳.
۹. همان، ص ۳۹۶ شماره ۵۶۴.
۱۰. همان، ص ۲۴۳ شماره ۱۶۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی